

داکتر سید موسی صمیمی
14 فبروری سال 2011

خروج قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان
آغاز شکست نظام دیوان سالاری « سوسیالزم واقعا موجود»

1. پیشگفتار
2. الزامات ساختاری به مثابه عوامل مهم خروج قوای ارتش سرخ
3. «توافقات ژنیو» در غیاب نمایندگان «جنبش مقاومت»
 - 3.1. فضای سرد سیاسی در تالار عقد قرار داد
 - 3.2. پیشینه تاریخی «مذاکرت غیر مستقیم ژنیو» بین پاکستان و افغانستان
 - 3.3. محتوای توافقات ژنیو، «شاهکار» داد و گرفت های سیاسی
4. ارزیابی انتقادی، پیامدهای ناگوار یک برهه مهم تاریخی
5. رویکرد ها

1. پیشگفتار

پس از ده سال اشغال نظامی افغانستان، نیروهای «قشون سرخ» اتحاد جماهیر شوروی مجبور شدند در فبروری سال 1989 از سرزمین کوهپایه های هندوکش دوباره عقب نشینی کنند. پس منظر بیرون رفت ارتش سرخ از افغانستان نه تنها در بر گیرنده ی بعد نظامی بود بلکه این گام تاریخی ناشی از علل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی درون مرزی و بیرون مرزی امپراتوری اتحاد شوروی می باشد. به مناسبت سالروز این حادثه تاریخی نظری گذرا بر الزامات ساختاری اتحاد جماهیر شوروی به مثابه زمینه ساز «توافقات ژنیو» انداخته میشود.

2. الزامات ساختاری به مثابه عوامل مهم خروج قوای ارتش سرخ

عامل تعیین کننده خروج ارتش سرخ از افغانستان را دیگر گونی پارادیم یا اندیشه رهنمای رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی، با تمام نارسایی های حاکم در کرملین همان زمان به وجود می آورد. بنا بر الزامات اقتصادی، انزوای سیاسی، افشاگری های ایدئولوژیک و سرانجام هزینه بزرگ نظامی و تلفات ناشی از اشغال نظامی و ناتوانی شوروی در پذیرش تلفات و خسارات بیشتر، میخائیل گورباچف، سردبیر حزب کمونیست شوروی مجبور گردید که بالاخره در بخش «خواب پریشان» کرسی نشینان قصر کرملین نقطه پایانی بگذارد. باین ترتیب «اشغال نظامی افغانستان» از نگاه ایدئولوژی حزب حاکم همچون فاجعه ی تاریخی و از لحاظ راهبردی یک گام نارسا شناخته شد.

هزینه نظامی اشغال افغانستان در جریان ده سال (از سال 1979 تا 1989) به بیشتر از هشت میلیارد دالر امریکایی، و یا به عبارت دیگر در هر سال بالغ بر 800 میلیون دالر می گردید. شمار سربازان قشون سرخ که قربانی این راهبرد نادرست و تجاوز کارانه ی دولتمردان شوروی گردیدند، به بیشتر از 14 هزار و شمار زخمیانش بیش از 38 هزار نفر رقم زده شده است. سطح پایین مولدیت اقتصادی آنزمان شوروی، گسترش بیکاری مخفی و موانع دیوان سالارانه دولت شوراها در رابطه با هزینه های هنگفت نظامی و مخارج دیگر، ناشی از به اصطلاح «وجایب بین المللی» و در اخیر با وجود پایین نگهداشتن سطح زندگی «زحمتکشان» آن سرزمین، فشار روز افزون الزامات اقتصادی به مثابه بار کمر شکن بر قامت امپراتوری شوروی سنگین و سنگین تر گردید. همچنان از نگاه سیاست بین المللی و در رابطه با افغانستان، اتحاد جماهیر شوروی با مشکلات جدی رو برو بوده و عقب نشینی های چندی سیاسی و راهبردی را باید متقبل می شد. کشتار بیرحمانه ی بیش از یک میلیون افغان، ویرانی کلبه های زارعین و تخریب نظام آبیاری و زیر ساختهای اقتصادی و در اخیر استبداد دیوان سالاری «حزب دموکراتیک خلق» که زیرچتر حمایتی نیرو های اشغالگر صورت می گرفت، دولت شوراها را از نگاه ایدئولوژی سخت مورد ضربت قرار دادند. شمار زیادی از کشور های عضو «جنبش غیر منسلک» که اتحاد جماهیر شوروی را زمانی «متحد طبیعی» شان می پنداشتند، بر مواضع شان به طور بنیادی تجدید نظر کردند و از مواضع اتحاد شوروی دوری گزیدند. از آنجاییکه افغانستان نخستین کشور اسلامی بود که توسط قوای شوروی اشغال گردیده بود، «جهان اسلام» نیز از امپراتوری شوروی فاصله گرفت. باین ترتیب و در مبارزه ایدئولوژیک «جنگ

سرد»، کرملین می بایست به رسوایی خویش اعتراف کند. بالاخره با پیروی از سیاست های ناشی از «شفافیت و دیگر گونی» (Perestroika و Glasnost)، که بیانگر شیوه فکری کادر های پر نفوذ تازه دم حزب کمونیست شوروی تلقی میگردد، گورباچف مجبور شد تا به چاره جویی قطعی «زخم خون چکان» دست زده و قوای نظامی کشورش را در ظرف 9 ماه (از تاریخ 15 می سال 1988 تا 15 فبروری 1989) از سرزمین کوهپایه های هندوکش فرا خواند. از نگاه حقوق بین الملل خروج سربازان شوروی بر اساس «توافقات ژنیو» به وقوع پیوست.

3. «توافقات ژنیو»، در غیاب نمایندگان «جنبش مقاومت»

3.1. فضای سرد سیاسی در موقع امضای توافقات

روز پنجشنبه، 14 اپریل سال 1978 یک روز آفتابی بود. در خیابان ها و کوچه های ژنیو، شهر نشست های بین المللی سویس، اهالی شهر با استقبال از مناظر شگوفه های بهاری با خوشی و طراوت قدم میزدند. بر خلاف در درون تالار «جامعه ملل» چهار تن دولتمدار بلند رتبه با قیافه های گرفته رو بروی هم نشسته بودند و زیر نظر یک سیاستمدار پنجم در پای «اسناد مهم تاریخی» صحنه گذاشتند. از چهره های ترش این چهار تن معامله گر سیاسی چنین بر می آمد که گویا آنها در فضای سرد 30 درجه زیر صفر، آنهم در سرزمین سایبریای جنوبی «وجیبه تاریخی» شان را به پایان می رسانند. در حالیکه آنها با هدفی گرد آمده بودند تا با نمایندگی از کشور های شان آن «پیمان صلح» ای را امضا کنند، که در گوشه و کنار از آن یاد می شد. (1)

بازیگران این صحنه سیاسی در یک طرف میز مذاکره آقای عبدالوکیل و آقای ادوارد شیوارد نازه، وزرای امور خارجه حکومت های افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی و رو بروی آنها آقایان زین نورانی و جورج شولتز، وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی پاکستان و ایالات متحده امریکا صف زده بودند. پیریز دی کوپار، سر دبیر سازمان ملل متحد و اهل کشور پیرو از امریکای لاتین، نقش کارگردانی این صحنه سازی را بدوش داشت. توافق پیرامون چگونگی این پیمان که با جار و جنجال های سیاسی و داد و گرفت امتیازات دیپلماتیک توام بود، تاریخ دور و درازی دارد.

3.2. پیشینه تاریخی « مذاکرات غیر مستقیم ژنیو» بین پاکستان و افغانستان

زیر نظر دیوگوردوویز، نماینده ویژه سازمان ملل متحد، از اوایل سال 1981 باینسو مذاکرات غیر مستقیم بین کابل و اسلام آباد در جریان بود. ولی از تاریخ 11 تا 22 اپریل سال 1983 با سنگینی قابل لمس سیاسی، دور دوم مذاکرات غیر مستقیم بین نمایندگان پاکستان و افغانستان به ترتیبی آغاز شد که کوردو ویز بمثابه میانجی در ژنیو از یک اتاق به اتاق دیگر، گویا غیر مستقیم در راستای پل زدن بین مواضع سیاسی جناح های متخاصم رفت و آمد داشت. (2) پیش از آغاز دور دوم مذاکرات نماینده ویژه سازمان ملل متحد، باهدف «تول و ترازو کردن» نظرات سیاسی، سفر های چندی به تهران، اسلام آباد و کابل نموده بود. بعد از نشست عالی سران کشور های «جنبش غیر منسلک» در مارچ سال 1983 در دهلی جدید پیرس دی کو یار جهت راهیابی صلح برای معضله افغانستان شخصا از ماسکو دیدن نموده و پس از نشست با یوری اندره پوف، سر دبیر حزب کمونست شوروی تا حدود زیاد اظهار خوشبینی نمود. ولی خلاف توقع، مطبوعات شوروی به این دیدار اهمیت قابل توجه سیاسی قایل نشد. اندره پوف مانند گذشته هنوز هم به نظر لیونید برژنیف، سردبیر سابق حزب کمونست شوروی مبنی بر «حاکمیت نامحدود شوروی و حاکمیت محدود اقمار آن» وفادار بود. علت اینکه او با آن هم به آغاز مذاکرات سیاسی تن در داد بیشتر شکل نمایشی و ابزاری داشت: نخست از همه بایست ازین طریق نظام دیوان سالاری ببرک کارمل، که دست نشانده ماسکو خوانده می شد، از انزوای سیاسی بیرون آمده و به مثابه «طرف معامله سیاسی» در صحنه جهانی بروز می نمود؛ باین ترتیب باید رژیم "رفقا" در کابل گویا حیثیت رسمی بین المللی کسب می نمود. درین راهیافت کرملین نشینان، به حیث نکته دوم این موضوع در نظر گرفته شده بود تا به کشور های عضو جنبش غیر منسلک گویا وانمود نمایند که شوروی اراده اشغال دایمی افغانستان را نداشته و در صورت پیاده کردن شرایط بخصوص از آن کشور دوباره عقب نشینی مینماید. در اخیر ماسکو با این انگیزه گام بسوی «راه حل سیاسی» از طریق مذاکرات غیر مستقیم ژنیو بر داشت تا در قطار نیروهای مقاومت بخش های گویا «نرمش پذیروهواداران صلح» را جلب و جذب نموده و ازین طریق در جبهه مقاومت درز ایجاد کند.

مذاکرات ژنیو به همین منوال تا دور ششم در سپتمبر سال 1985 بدون پیشرفت قابل لمس ادامه پیدا کرد. (3) مانند گذشته این نکات در اجندای مذاکرات قرار داشتند: خروج قوای شوروی از افغانستان، برگشت با عزت مهاجرین افغانی به کشور شان، عدم مداخله در امور سیاسی درون مرزی افغانستان و در اخیر ضمانت بین المللی در جهت پیاده کردن این تدابیر. در زمره این نکات، تضمین بین المللی بخش بسیار پیچیده به نظر می رسید. ولی پس از دیدار رونالد ریگن، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و میخایل گور بچف، سر دبیر حزب کمونسنت شوروی، که بعد از مذاکرات سپتمبر سال 1985 صورت گرفت، امریکا به این باور رسید که شوروی ها در واقع و در صورت تضمین بین المللی به خروج قوای خویش حاضر اند. با گماشتن ادوارد شیواردنازه به کرسی وزارت خارجه، گورباچف توانست، در مبارزه درون حزبی، ساحه اقدامات سیاسی خویش را در سطح جهانی و از جمله در رابطه با مسئله افغانستان گسترش دهد. با وجود آنهم تا توافقات آخری در ژنیو مدت سه سال جنجال بر انگیز دیگرهم سپری شد تا امپراتوری شوروی «سر عقل» آمد و به توافقات ژنیو تن در داد.

3.3. محتوای توافقات ژنیو، «شاهکار» داد و گرفت های سیاسی

توافقات ژنیو متشکل از چهار سند تاریخی و یک یادداشت رسمی - memorandum. می باشند. (4) سند اول زیر عنوان «توافقنامه ی دو جانبه بین جمهوری افغانستان و جمهوری اسلامی پاکستان» توسط زین نورانی و عبدالوکیل، روسای هیئت های اسلام آباد و کابل به امضا رسید. درین سند در مورد «عدم مداخله» در امور داخلی هر دو کشور موافقت صورت گرفته است. در ماده دوم، هر دو طرف تعهد می نمایند تا با یک سری از نقاط مهم سیاسی احترام گذارند: از جمله «حاکمیت ملی، عدم وابستگی سیاسی، تمامیت ارضی، امنیت و عدم انسلاک طرف مقابل، هویت ملی و میراث تاریخی». علاوه بر آن، درین سند حق مسلم هر دو کشور طرف مذاکره خوانده میشود تا نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خویش را خود آزادانه تعیین نمایند.

سند دوم توافقات ژنیو، که توسط جورج شولتز و ادوارد شیواردنازه، وزرای خارجه ایالات متحده امریکا و شوروی به امضا رسید، حاوی «تضمین بین المللی»

این توافقات می باشد. هر دو کشور تضمین کننده تعهد مینمایند تا از هر نوع مداخله در امور داخلی افغانستان و پاکستان خودداری کنند.

سند سوم، که آنها مانند سند اول توسط نمایندگان افغانستان و پاکستان امضا شد، در برگیرنده برگشت آزادانه و بدون موانع مهاجرین افغانی به کشور شان میباشد. عودت کنندگان می بایست مانند دیگر باشندگان افغانستان از تمام حقوق، از جمله از حقوق مسکن گزینی و کار در هر بخشی از کشور که بخواهند، برخوردار باشند و از خدمات اجتماعی دولتی محروم نگردند.

در سند چهارم که حیثیت هسته اصلی توافقات ژنیو را دارد، چگونگی خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان تنظیم میگردد. درین سند شوروی تعهد می سپارد که نیروهای نظامی اش را در جریان 9 ماه (از 15 ماه می سال 1978 تا 15 فبروری سال 1989) از افغانستان بیرون کشد.

در اخیر در «یادداشت رسمی» به غرض تطبیق بدون موانع موافقات، سازمان ملل متحد مکلفیتهای بخصوصی سیاسی و نظامی را متقبل میگردد. از جمله سازمان ملل تعهد می نماید تا دفاتر مشخص به شمول شمار معین کارمندان نظامی و ملکی در هر دو کشور باز نماید.

4. ارزیابی انتقادی: پیامدهای ناگوار یک برهه مهم تاریخی

4.1 توافقات ژنیو به مثابه گامی در جهت بلند بردن حیثیت سیاسی حکومت کابل

توافقات ژنیو در واقع نمی تواند چیزی بیشتر از یک نوع موافقه عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر بین افغانستان و پاکستان تلقی شود. با در نظر داشت اینکه هر دو کشور اعضای سازمان ملل متحد محسوب شده و ازین طریق بنا بر منشور این سازمان مکلف به رعایت عدم مداخله می باشند، پس این موافقه با این جار و جنجال سیاسی چیزی زاید شمرده می شود. ولی از نگاه دولت «حزب دموکراتیک خلق»، کابل توانست، نخست حیثیت خود را بلند برده و به حیث یک «طرف معامله» در صحنه بین المللی به رسمیت شناخته شود. اضافه بر آن کرملین ازین طریق موفق شد تا منازعه مسلحانه بین جنبش مقاومت افغانستان و ارتش اشغالگر

شوروی را تا سطح مناقشه دیپلماتیک بین کابل و اسلام آباد پایین آورد. پیامد منطقی این مسئله درست بودن «تیوری توطئه» را باینترتیب در قبال خویش دارد، که گویا جنبش مقاومت همه و همه «توطئه خارجی ها» بوده است.

4.2. جنبش مقاومت، در مخصه سیاسی

جنبش مقاومت افغانستان نه تنها بمثابه «طرف مذاکره» در ژنیو حضور نداشت بلکه حتی بحیث «ناظر سیاسی» نیز از او دعوت نشده بود. ازین نگاه جنبش مقاومت، با همه پراگندگی های سازمانی و عدم تجانس سیاسی، توافقات ژنیو را یکسره رد نمود. به نظر مقاومت، مذاکرات و توافقات سیاسی بایست مستقیماً بین نمایندگان جنبش مقاومت و اتحاد جماهیر شوروی صورت می گرفت. در نتیجه مقاومت از به رسمیت شناختن این توافقات ابا ورزیده و برائثر آن از بار پیاده کردن ان در عمل شانه خالی کرد. به تائید این مواضع شان، تنظیم های افغانی پیشاور نشین بلا فاصله در سندیوم پیشاور با اشتراک حدود 70 هزار مهاجر افغانی با صدای بلند به نفی توافقات ژنیو برآمدند.

از طرف دیگر و در پس پرده شمار زیادی از رهبران مجاهدین، هم از لحاظ «هم فکری» با پاکستان و هم از نگاه عملگرایی سیاسی خود شان، از توافقات ژنیو آنقدر ناراضی هم به نظر نمی رسیدند. به باور آنها با خروج احتمالی قریب به یقین نیروهای نظامی شوروی، یک مانع بزرگ در راه رسیدن آنها به هدف شان از بین رفته و در نتیجه آنها به ارزوی دیرینه شان، یعنی تاسیس یک تیوکراسی یا حکومت دینی نزدیکتر شدند.

4.3. توافقات ژنیو، اعتراف شکست نظامی و سیاسی ابر قدرت شوروی

توافقات ژنیو با تمام کم و کاستهای سیاسی اش در اخیر منجر به خروج قوای نظامی شوروی از افغانستان شد. این امر در واقع توام بود با شکست افتضاح آمیز نظامی قشون سرخ، افشاگری ایدیولوژی حاکم کرملین نشینان و عقب نشینی راهبردی امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی. مسلم است که جنبش مقاومت افغانستان از پشتیبانی های موثر نظامی، حمایت های گسترده دیپلماتیک، کمک های سر شار مالی و در اخیر همبستگی های سیاسی جهان غرب، کشور های اسلامی و قسما

کشور های عضو غیر منسلک برخوردار بود. این نکات را می توان به مثابه عوامل ضروری دانست. ولی مقاومت سرسخت مردم افغانستان، قبولی آلام و مصائب جنگ و قربانی های خانمانسوز، عوامل تعیین کننده خروج قوای اشغالگر از سرزمین هندوکش تلقی میگردند.

4.4 پیامد های فرهنگی و مذهبی اشغال نظامی افغانستان

استبداد سیاسی و تدابیر نارسای حزب دموکراتیک خلق، اگر از یکطرف به زندانی کردن، کشتن و فرار دادن ده ها هزار دیگر اندیشان و از جمله دموکرات های کشور انجامید، از طرف دیگر و در عین زمان زمینه ی هر چه بیشتر تبلیغات مذهبی را علیه نظام «سوسیالزم واقعا موجود» در کابل فراهم کرد. جنبش مقاومت افغانستان که طیف وسیعی از گروه های مختلف سیاسی و قشرهای متنوع اجتماعی کشور بار آن را بر دوش میکشیدند، زیر رو پوش «مبارزه اسلام با کمونیزم» افاده گردید. جو حاکم مذهبی در منطقه (اصول گرایی جمهوری اسلامی ایران، نظام اقتدارگرای مذهبی- نظامی در پاکستان و بنیاد گرایی حاکم مذهبی در کشور های خلیج) و به ویژه پس از اشغال نظامی افغانستان، فضای حاکم سیاسی مبارزه علیه تهاجم شوروی هنوز هم بیشتر در جهت «مذهبی ساختن» جنبش نقش فعال و تعیین کننده بازی نمود. دول غربی که از محدوده «جنگ سرد» با شوروی یک گام فراتر نمی اندیشیدند، به نوبه خود «اسلام مبارز افغانی» را همچون موثر ترین ابزار بسیج و مبارزه علیه کمونیزم شوروی مورد بهره برداری قرار داد. هردو عامل در عمل و پس از خروج قوای نظامی شوروی در افغانستان، طوری که روند بیست سال گذشته بیانگران می باشد، منجر به دو پیامد نا هنجار برای سرزمین کوهپایه های هندوکش گردیدند: از یکسو گسترش فرهنگ پرخاشگری مسلحانه و از سوی دیگر بنیادگرایی مذهبی وارداتی طیف جدید، که در رویارویی با «اسلام سنتی نرمش پذیر» و «صوفی مشرب» باشندگان افغانستان قرار گرفته و سالیان درازی بر گرده آزاد منشان آن کشور سنگینی خواهد کرد.

5. رویکرد ها

(1) Dr, Said Musa Samimy, Zu den Genfer Afghanistan-Vereinbarungen, Die Ohnmacht eines mächtigen Widerstandes, S.211, in: Dr.Said Musa Samimy, Afghanistan – Bumerang einer Strafexpedition?, Institut für Afghanistanforschung,Pahl-Rugenstein Verlag Nachfolger GmbH, Bonn, 1992, S 211-214

(2) Dr. Said Musa samimy, Politische Lösung über die Köpfe der Afghanen hinweg, S.189, in Dr.Said Musa Samimy, Afghanistan – Bumerang einer Strafexpedition?, Institut für Afghanistanforschung,Pahl-Rugenstein Verlag Nachfolger GmbH, Bonn,1992, S189-190.

(3) Dr. Said Musa Samimy, Politische Lösung des Afghanistan-Konfliktes, Licht im Salang-Tunnel?,S.193, in : Dr.Said Musa Samimy, Afghanistan – Bumerang einer Strafexpedition?, Institut für Afghanistanforschung,Pahl-Rugenstein Verlag Nachfolger GmbH, Bonn, S.193-195

(4) Dr, Said Musa Samimy, Die Genfer Afgaanistan-Vereinbarungen, Hintergründe, Verlauf und Perspektiven,S.124-127, in : Dr. Said Musa Samimy, Afghanistan, Gefenagener seiner eigenen Widersprüche?, Pahl-Rugenstein Verlag Nachfolger GmbH, Bonn, 1993, S.193-195